

مهتر

هفته نامه فرهنگی، هنری، اجتماعی

شماره ۷۶

سه‌شنبه دوازدهم آبان‌ماه ۷۷

۳۲ صفحه، ۲۰ تومان

ISSN: 1029-8118

در آموزشگاه‌های بازیگری، چه می‌گذرد؟

سید سعید

وظیفه‌ای همچون تربیت و آموزش درست هنرجو دارند؟! باور کنید که اینها هیچ دلشان به حال وقت، پول و صرف این همه عمر هنرجویان و علاقه‌مندان بازیگری نسوخته است و نخواهد سوخت و گرچه شاید همه‌شان، در آغاز این ادعا را داشته باشند که می‌خواهند نسل جوان علاقه‌مند به بازیگری و سایر رشته‌های هنری را تربیت کنند و آموزش دهند، اما در واقع «هدف، جلب رضایت (ظاهری) است» و نه چیزی دیگر! البته، اصلاً قرار نیست که از کلاس آزاد

بازیگری دکتر حکاک، خرده و ایراد بگیریم. ولی اگر پس از پایان هر ترم، این هنرجویان دوباره گزینش شوند و در واقع، ناخالصیها و اضافیها سرند شوند، فکر می‌کنم آنچه که از تعداد این کلاسها باقی می‌ماند، لاقل، یک جمع و تعداد اندک برگزیده مستعدی باشد که می‌توانند آبروی استادان خود را حفظ کنند و خالصانه فخر بفروشند که ما شاگردان فلان استاد تئاتر هستیم و یوده‌ایم یا همچنان خواهیم بود. کاری که فکر می‌کنم، زمانی که استاد سمندریان، «کانون تئاتر تجربی» را تأسیس کرد، شاگردانش را در پایان هر ترم سرند کرد و به تعداد قلیلی (نزدیک به چهل نفر) از آن یکصدو پنجاه هنرجویش که اول ترم آمده بودند، اجازه بازیگر شدن داد و گفت: «شما اگر پشتکار خوب و محکمی داشته باشید و اگر همیشه به معلومتان بیفزایید و مطالعه کنید و تمرین‌های عملی خود را کنار نگذارید، می‌توانید بازیگر خوبی شوید و بازیگر بمانید...».

اما یک نکته را در پایان این نوشته، یادآور می‌شوم: این که وزارت ارشاد به این راحتی، مجوز تأسیس آموزشگاه و کارگاه بازیگری صادر نکند و هنرجویان بی‌جهت، نام فلان استاد معروف و باتجربه را به سینه نزنند. زیرا برای بازیگری، علاوه بر علاقه و استعداد، فراگیری آموزشها و عملی کردن آنها و ممارست و تمرین همیشگی نیز شرط است.

تکمله: پیشنهاد می‌شود که وزارت ارشاد به جای صدور مجوز تأسیس این همه کارگاه و آموزشگاه بازیگری، به فکر صدور مجوز تأسیس سالنهای نمایش در تهران و شهرستانها باشد تا این همه بازیگران، بیکار نباشند و استفاده بهینه‌ای از هنر هنرجویان و بازیگران مستعد نأموز بشود! تربیت کردن بازیگر، مهم است، نه تأسیس کردن کارگاه بازیگری! □

چندی پیش، دکتر محمود کریمی حکاک را در مقابل «تالار وحدت» دیدم. گلایه می‌کرد از نمایش «پرواز» و به‌خصوص، بازی بازیگرانش. درخواست کرد از قولش بنویسیم که این هنرجویان بازیگری، شاگردان او نیستند و به صراحت تمام گفت: «خدا شاهد است، بچه‌هایی که در این نمایش بازی می‌کنند، شاگردان من نیستند! اینها هرجایی که می‌روند، می‌گویند ما شاگردان دکتر حکاک هستیم. باور کنید، این هنرجویان از درس بازیگری کلاس من، بیشتر از نمره «دو» نیاورده‌اند و نمره‌شان، در دفتر کارگاه بازیگری ثبت شده است، می‌توانید بروید و ببینید...».

پس از این که از استاد خداحافظی کردم و جدا شدم، خیلی به فکر فرو رفتم. با خودم گفتم، چطور ممکن است که آنها شاگردان این استاد با تجربه تئاتر باشند و پس از چند ترم آموزش بازیگری، نتوانند اصول و فن بازیگری را به درستی یاد بگیرند. پس اینها تا الان در این کلاسها، چه می‌کرده‌اند که حالا نمایش و بازی‌شان، این قدر ضعیف از آب درآمده و تماشاگران، ناراضی از سالن «تشیقای» تئاتر شهر بیرون می‌روند؟ آیا نتیجه کلاسهای آموزش بازیگری، این گونه باید باشد که استاد آموزش‌دهنده، اینقدر ناراضی باشد و از آنها چنین گله‌مند شود و شکایت کند؟ به راستی در این آموزشگاههای بازیگری، چه می‌گذرد و هنرجویان چه می‌کنند؟ اگر این بازیگران نأموز که مثلاً در یکی از بهترین آموزشگاهها تحصیل کرده‌اند، نتایج آموزش‌شان، این‌گونه است، پس وای به حال آموزشگاههایی که هیچ اسم و رسمی ندارند یا از استادان مشخص و مجرب بهره‌مند نیستند و هر روز همانند قارچ در سطح شهر ظاهر می‌شوند!!

به راستی، تأسیس این همه آموزشگاه و کارگاه آزاد بازیگری، که بازدهی آنها هم این‌گونه است، چه ضرورتی دارد؟ آیا اساساً ضرورت این همه آموزشگاه و کارگاههای بازیگری، کارگردانی، نمایشنامه‌نویسی، طراحی صحنه و لباس و... حس می‌شود که وزارت ارشاد هرچند هفته یکبار، مجوز تأسیس آنها را صادر می‌کند؟ مگر نه این است که تأسیس‌کنندگان و تشکیل‌دهندگان، بیشتر به فکر سود و منافع مالی و اقتصادی خود هستند و نه مثلاً